

نقش نوجوانان و جوانان در ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶

محسن غلامی^۱، احمد بخشایشی اردستانی^۲، علی مرشدی‌زاد^۳، حجت‌الله درویش‌پور^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

چکیده:

ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ پیامدهای جبران‌ناپذیری بر امنیت کشور داشت. وقوع پدیده‌های مشابه در آینده می‌تواند پیامدهای مخرب‌تری بر امنیت ملی کشور داشته باشد از این‌رو تلاش برای شناسایی مؤلفه‌های به‌وجودآورنده این پدیده‌ها و ارائه راهکارهایی، برای جلوگیری از وقوع آن‌ها و بررسی نقش نوجوانان و جوانان در این ناآرامی‌ها، هدف اصلی این مقاله می‌باشد. روش تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. براساس یافته‌های پژوهش، رابطه معناداری بین ابعاد مختلف عامل بیکاری، فساد اقتصادی، گرانی، گسست نسل‌ها، سبک زندگی و رفتارهای جمعی جوانان در این ناآرامی‌ها وجود دارد. اما سوال اصلی که این مقاله درصدد پاسخ به آن است، این است که نوجوانان و جوانان چه تأثیری بر این ناآرامی‌ها داشته‌اند؟ این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال خواهد بود. در این راستا برای تبیین مسئله از نظریه‌های «آلن تورن»، مانوئل کاستلز و نظریه «محرومیت نسبی» (رابرت تدگار) استفاده شده است. در پاسخ به این پرسش، این فرضیه طرح می‌شود: «عامل بیکاری بیشترین نقش را در اعتراضات دی ۹۶ داشته است. سپس عامل فساد و در انتها نیز عامل گرانی نقش داشته است. همچنین حوادث دی ۹۶ نشان دهنده این بود که جامعه ما دچار یک شکاف نسلی، گسست نسل‌ها و سبک زندگی شده است.

واژگان اصلی: گسست نسل‌ها، نوجوانان، جوانان، بیکاری و دی ۱۳۹۶.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ahmadbakhshi0912@gmail.com

۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۴. استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

ناآرامی‌هایی که به مدت حدود ۱۰ روز از هفتم دی ۹۶ در مشهد آغاز شد و به سرعت، بیش از یکصد شهر کشور را در بر گرفت، از منظرهای گوناگونی مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. یکی از این منظرها، پاسخ به این پرسش است که آیا این ناآرامی‌ها را می‌بایست نوعی اتفاق و رخداد دانست یا لحظه‌ای در متن فرآیند؟ (بعد از این ناآرامی‌ها)، از منظرهای گوناگون از جمله منظرهای سیاسی و علمی به این پرسش، پاسخ داده شده است. از منظر تحلیل امنیتی-جامعه‌شناختی، نمی‌توان به پرسش کلیدی نوشتار، یعنی رخداد بودن یا فرآیندی بودن ناآرامی‌های دی ۱۳۹۶، پاسخ گفت، مگر آن که از منظر حاملان و عاملان یا کنش‌گران این ناآرامی‌ها و شورش‌ها به این پدیده نگریم. از این منظر، می‌توان گفت ناآرامی‌های دی ۱۳۹۶ را باید از دریچه رهیافت و مطالعات نسلی تحلیل کرد و در این صورت، باید آن را رخدادی دانست که می‌تواند سرآغاز یک فرآیند باشد. مفهوم رخداد در اینجا به همان معنا به کار می‌رود که آلن بدیو، فیلسوف فرانسوی آن را در نظریه رخداد و وجود به کار برده است. به این معنا، ناآرامی‌های دی ۱۳۹۶، رخدادی است که از دل آن، بخش مهمی از نسل دهه هفتاد و هشتاد جامعه ایرانی، به مثابه سوژه معترض برساخته خود جمهوری اسلامی ایران سر بر آورده و در واقع برساخته شده و این چیزی است نو که تا پیش از این سابقه نداشته و ترکیب کنش‌گران شورش‌های پیشین، بیشتر شامل سوژه‌های معترض برساخته شده رژیم طاغوت بودند. (پورسعید، ۱۳۹۷: ۱۶۴)

اعتراضات دی ۱۳۹۶ زمینه طرح پرسش‌های تازه‌ای را فراهم آورد، این که این اعتراضات چرا و چگونه رخ دادند؟ چه پیامدهایی به دنبال داشتند؟ و پرسش‌های دیگری، که پاسخ‌های متنوعی را در پی داشت؛ گروهی با رویکرد اقتصادی، فقر، بیکاری و ورشگستگی برخی بانک‌های خصوصی را زمینه اعتراضات قلمداد کردند. برخی دیگر نیز با رویکرد سیاسی کوشیدند پاسخ را در عملکرد مخالفان نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور جستجو کنند. هم‌چنین گروهی اعتراضات را به مثابه تنش اجتماعی در نظر گرفتند که در واکنش به تبعیض‌ها، نابرابری‌ها، فاصله‌های طبقاتی و... شکل گرفته‌اند. گروهی نیز بر اساس ملاحظات فرهنگی، رسانه‌ها را مسبب اعتراضات اخیر دانستند که به تحریک جوانان و افشار دیگر جامعه پرداختند و زمینه اعتراضات را فراهم نمودند. (فاضلی، ۱۳۹۷: ۷۳) آمارها نشان می‌دهد که ایران یکی از جوان‌ترین ساختارهای جمعیتی دنیا را به خود اختصاص داده است که این قضیه البته مسائل و مشکلات زیادی هم می‌دهند که بسیاری از معترضان دی ماه از جوانان دهه ۶۰ و ۷۰ بوده‌اند. حال پرسش این است که

خواسته این جوانان چیست؟ بررسی اعتراض دی ماه با اکثریت جوانان متولد دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ از منظر جنبش‌های اجتماعی جدید و به خصوص از منظر «سیاست فرهنگی و هویت» ممکن است صورت بگیرد در ادامه اعتراض نسل جوان را از هر دو منظر اقتصادی و فرهنگی-سیاسی بررسی می‌کنیم. (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۵۱ و ۱۵۲) هرم سنی در ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که متولدین دهه ۶۰، بیش از هر ساختار سنی در طول تاریخ ایران است. متولدین دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ که بسیاری از آنها تحصیل کرده و البته بیکار هستند و اکنون خواهان شغل، مسکن و منزلت اجتماعی اند. اما در حال حاضر، بیکاری گریبان گیر بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور است که طبق جدیدترین آمار یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از این جمعیت را فارغ‌التحصیلان یا دانش‌جویان تشکیل می‌دهند. بنابراین حجم بزرگی از جمعیت ایران بین ۲۰ تا ۳۵ ساله هستند. (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۹۳) اما فقط جمعیت دهه ۶۰ نیستند که با مسائل عدیده‌ای مانند بیکاری، درآمد ناکافی، مسکن و ازدواج مواجه اند. جوانان دهه ۷۰ را نیز باید به این مسئله افزود که به لحاظ فرهنگی و سبک زندگی نیز با فرهنگ رسمی فاصله دارند. بسیاری معتقدند که بسیاری از اعتراض‌کنندگان دی ۱۳۹۶، نسل دهه ۷۰ هستند که تحت تأثیر تلگرام به شورش‌ها پیوسته‌اند. می‌توان گفت که جوانان دهه ۱۳۶۰، به دنبال کار و مسائل معیشتی هستند و جوانان دهه ۷۰ و نوجوانان دهه ۸۰ به دنبال سرگرمی، جوانان دهه ۶۰، به دلیل نداشتن برنامه ریزی مناسب برای شغل و ازدواج و مسکن و...؛ جوانان سرخورده‌ای هستند که با انواع ناملایمات مواجه‌اند و برای بهبود وضعیت خود، ابزارهای مشروع جامعه را مسدود می‌پندارند. از سوی دیگر هر روزه اخبار انواع فسادها را در نظام موجود رصد می‌کنند که این خود زمینه‌ساز اعتراضات آنان هست. از سوی دیگر بیکاری جوانان تحصیل کرده حکایت از وضعیت نامناسب آن دارد به طوری که هر ساله بر آمار بیکاری جوان تحصیل کرده افزوده می‌شود و می‌رود تا به یک بحران اجتماعی تبدیل شود. بحران بیکاری و افزایش ورودی تعداد نیروی کار تحصیل کرده در بازار کار از مسائل اصلی جوانان دهه ۶۰ است. (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۹۴ و ۱۹۵) مقاله حاضر تأکید می‌کند که مقامات ایران بیشتر باید توجه خود را به موضوعات داخلی، به ویژه بیکاری جوانان معطوف کنند که می‌تواند معضلی برای این کشور شود و حتی زمینه را برای پیوستن جوانان به گروه‌های افراطی فراهم آورد. فراهم کردن زمینه اشتغال جوانان نقش مهمی در جلوگیری از رادیکالیزه شدن آنان دارد. مقاله حاضر به جای آن که جوانان را تهدیدی برای ثبات ایران بداند، بر این موضوع متمرکز است که چگونه ایجاد

فرصت‌های اشتغال برای جوانان، می‌تواند منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای کشور داشته باشد. ناکامی در تحقق این امر می‌تواند باعث بی‌ثباتی شود.

اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ پیامدهای جبران‌ناپذیری بر امنیت کشور داشت. وقوع پدیده‌های مشابه در آینده می‌تواند پیامدهای مخرب‌تری بر امنیت ملی کشور داشته باشد. از این رو تلاش برای شناسایی مؤلفه‌های به‌وجودآورنده این پدیده‌ها و ارائه راهکارهایی، برای جلوگیری از وقوع آن‌ها (رضائیان قبه باشی، ۱۳۹۷: ۵۲) و بررسی نقش نوجوانان و جوانان در این ناآرامی‌ها، هدف اصلی این تحقیق می‌باشد. روش تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. براساس یافته‌های پژوهش، رابطه معناداری بین ابعاد مختلف عامل بیکاری، فساد اقتصادی، گرانی، گسست نسل‌ها، سبک زندگی و رفتارهای جمعی جوانان در این ناآرامی‌ها وجود دارد. این مقاله، درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های اصلی و فرعی زیر است: اما سوال اصلی که این مقاله درصدد پاسخ به آن است، این است که نوجوانان و جوانان چه تأثیری بر این ناآرامی‌ها داشته‌اند؟ سوالات فرعی این است که: خواست و اهداف نسل جوان در اعتراض دی‌ماه و گفت‌وگوها چیست و بر این اساس این جنبش در مرحله‌ی اول به ویژگی‌ها و جنبش‌های متعارف نزدیک بوده است یا به ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی جدید؟ سوال دوم این است که آیا می‌شود اعتراض جوانان در دی‌ماه را از منظر سیاست فرهنگی و هویتی نیز تبیین کرد؟ بنابراین چه عواملی، فرهنگ را به عنوان یکی از عناصر مهم ستیز میان نسل جوان و نظام سیاسی-فرهنگی بدل کرده است؟ این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سئوالات خواهد بود. (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۵۲ و ۱۵۱) در این راستا برای تبیین مسئله از نظریه‌های «آلن تورن»، «مانوئل کاستلز» و نظریه «محرومیت نسبی» (رابرت تدگار) استفاده شده است. در پاسخ به این پرسش‌ها، این فرضیه طرح می‌شود: «عامل بیکاری بیشترین نقش را در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ داشته است. سپس عامل فساد و در انتها نیز عامل گرانی نقش داشته است. همچنین حوادث دی‌ماه ۹۶ نشان دهنده این بود که جامعه ما دچار یک شکاف نسلی، گسست نسل‌ها و سبک زندگی شده است.»

ملاحظات مفهومی و چارچوب نظری

نظریه‌های مختلفی در مورد نقش نوجوانان و جوانان و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن‌ها بر جوامع مطرح شده است که مهم‌ترین آنها نظریه «آلن تورن» و «مانوئل کاستلز» است از لحاظ نظری در چارچوب دو نظریه «آلن تورن» و «مانوئل کاستلز» و نظریه «محرومیت نسبی» (رابرت تدگار)،

می‌توان نقش نوجوانان و جوانان در این ناآرامی را ارزیابی کرد.

این مقاله سعی دارد علاوه بر رویکرد اقتصادی از رویکرد فرهنگی و هویتی به اعتراض جوانان در دی‌ماه بنگرد، سعی خواهیم کرد که تعبیر «کاستلز» از جنبش‌های اجتماعی (از منظر هویتی و ارزشی) تعبیر «آلن تورن» (بیشتر از منظر فرهنگی) را ملاحظه قرار دهیم. به عقیده کاستلز حاصل جنبش‌های اجتماعی «کنش‌های جمعی هدف‌داری هستند که پیامدهای آن‌ها، چه در پیروزی و چه در شکست، ارزش‌ها و نهادهای جامعه را دگرگون می‌سازند. این جنبش‌ها، کیستی ما را نشان می‌دهند و مسیرهای دگرگونی و تغییر شکل ما را مشخص می‌سازند.» (کاستلز، ۲۰۱۳: ۲۰) به نظر او، جنبش‌های اجتماعی حاملان هویت‌های مقاومت و برنامه‌دار هستند که در مقابل هویت مشروعیت بخش دستگاه‌های سلطه قرار می‌گیرند. هویت مقاومت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع یا شرایطی قرار دادند که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شوند و داغ ننگ بر آن‌ها زده می‌شود. در این شرایط سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول حمایتی نهادهای جامعه ساخته می‌شود. هویت برنامه‌دار هنگامی محقق می‌شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از هر گونه موارد و مصالح فرهنگی دسترسی و هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آن‌ها را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند. مانند جنبش فمینیسم و در حال حاضر جنبش‌های بنیادگرا و ملی‌گرا جدید» (همان: ۲۴-۲۵)

آلن تورن (۱۹۸۵) در مفهوم‌سازی و همچنین تبیین جنبش‌های اجتماعی، این عقیده کلی مارکسیسم را که کل تاریخ، تاریخ مبارزه طبقاتی است را می‌پذیرد اما معتقد نیست که این طبقات به‌عنوان کنشگران اجتماعی برای مالکیت و کنترل ابزار تولید مادی یک جامعه مبارزه می‌کنند بلکه آن‌ها بر سر چیز مبارزه می‌کنند که او آن را «تاریخمندی» می‌نامد (نش، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۴) تاریخمندی در بردارنده فرآیندهایی است که به وسیله آن‌ها جامعه به‌عنوان نتیجه اندیشه و کنش آگاهانه بر روی کنش اجتماعی و شرایطش، تولید می‌گردد. به نظر او در هر جامعه یک برخورد اصلی بین جنبش‌های اجتماعی مخالف وجود دارد: برخورد بین طبقه مسلط که تاریخ مندی را به خود اختصاص داده و آن را از طریق سازمان به نظم درآورده و طبقه تحت سلطه که تلاش دارد آن را به خود اختصاص دهد، وضع موجود را به هم بزند، تضادی که طبقه مسلط پنهان داشته آشکار سازد و سبک‌های بدیع برای اندیشه‌ورزی، کار و زندگی ایجاد کند (همان). بنابراین جنبش‌های

اجتماعی، مبارزه‌های هدف‌داری هستند برای برخورداری از حق انتخاب و کنترل زندگی کنشگران مشارکت‌کننده توسط خودشان یعنی کنترل فرهنگ و ابزار های آن. (تورن، ۱۹۸۵: ۵۲)

جنبش‌های اجتماعی جدید به مانند جنبش‌های جوانان در دوره پسا صنعتی رخ می‌دهند درحالی‌که جامعه صنعتی حول محور تولید صنعتی سازمان‌یافته بود در جامعه پسا صنعتی، دانش و اطلاعات، منابع کلیدی محسوب می‌شوند از نظر «تورن» این امر به ایجاد اشکال جدیدی از برخورد (تضاد) منجر می‌شود که بیشتر «فرهنگی» هستند تا «اقتصادی»؛ برخورد طبقاتی جای خود را به برخورد بر سر کنترل دانش و فرهنگ می‌دهد که بویژه بین بخش‌های جوانان تحصیل‌کرده جامعه که در عین حال حاشیه‌ای شده‌اند و کسانی که از دانش برای اداره و کنترل جامعه جدید استفاده می‌کنند رخ می‌دهد. آلن تورن درباره جنبش دانشجویی نظریه‌پردازی می‌کرد. (نش، ۱۳۸۲: ۱۴۰) امروزه جنبش‌های اجتماعی و از جمله جنبش جوانان علاوه بر شرکت در سیاست سستی (در سطح دولت-ملت) درگیر مبارزه بر سر معناها، هویت‌ها و سبک‌های جدید زندگی نیز هستند. (نش، ۱۳۸۲: ۱۳۰) به گفته‌ی آلن تورن، تضاد اصلی بین جنبش‌های اجتماعی، تضاد بر سر «کنترل تاریخمندی» است. به نظر او کنترل ابزار تولید مادی اهمیتش به این خاطر است که از طریق آن باید کنترل تولیدات معنوی را در دست گرفت روابط اجتماعی، روابط قدرت هستند؛ چراکه آن‌ها به وسیله سلطه طبقاتی به صورت الگوهای مشخص تثبیت شده‌اند. مبارزه برای کنترل کنترل تاریخمندی از سر نزاع در سراسر حوزه اجتماعی و مبارزه در هر جایی که سلطه سعی در تحمیل خود دارد، به وقوع می‌پیوندد. (نش، ۱۳۸۲: ۱۶۵)

به لحاظ فرهنگی، «تام باتامور» معتقد است که در کشورهای جهان سوم، کشمکش‌های اجتماعی و سیاسی تا میزان زیادی از اختلاف‌های شدید بین ارزش‌ها و اعتقادهای نسل جوان تحصیل‌کرده و طبقات تحصیل‌نکرده نشأت می‌گیرد. او با تأکید بر نقش نسل جوان و دانشجویان در تحولات اجتماعی می‌نویسد: «وجود این حقیقت که جنبش‌های رادیکال را دانشجویان دانشگاهی به وجود می‌آورند و هدایت می‌کنند خود برای اثبات این نکته کافیست که این جنبش‌ها تظاهرات فرهنگ نسلی هستند.» (باتامور، ۱۳۶۹: ۱۱۴-۱۱۵) پویایی یا ناپویایی فرهنگ‌ها در گرایش سیاسی جوانان و جنبش آنها موثر است. به طور کلی نسل جوان و نوگرا، آنان را به طرف تغییر و تحول در نظام فرهنگی و ارزشی جامعه می‌برد. «تام باتامور» در تحلیلی از جنبش‌های دانشجویی آمریکا با توجه به این خصوصیت می‌نویسد: «عمده تحولاتی که نسل‌های جدید به

وجود می‌آورند، در حوزه فرهنگی است. خلق سبک‌های هنری جدید، لباس، طرز سخن گفتن و سبک زندگی. این خواسته‌های فرهنگی متفاوت در میان نسل‌های همه جوامع وجود دارد. اما به نظر می‌رسد تفاوت بین خواسته‌های فرهنگی نسل جوان به ویژه دانشجویان کشورهای جهان سوم که در معرض نوسازی وضعیتی سنتی قرار دارند، با تعارض بیشتری با فرهنگ موجود و سنت‌های نسل قدیم که در حال رکود و ناپویایی هستند، مطرح می‌شود و به همین خاطر در کشورهای در حال توسعه، وجود فرهنگ‌های سنتی و قدیمی، یکی از زمینه‌های تعارضی دانشجویان را فراهم می‌کند.» (باتامور، ۱۳۶۹: ۱۱۷)

رویدادهای دی ۹۶، مطالبات معیشتی افراد جامعه و رفتارهای خشونت‌آمیز افراد جامعه حکایت از فوران احساس محرومیت نسبی در جامعه دارد. به بیان تدرابرت گار (۱۳۸۸) در کتاب چرا انسان‌ها شورش می‌کنند احساس محرومیت نسبی زمان رخ می‌دهد که بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی گسست ایجاد شود به عبارت دیگر فرد خود را مستحق شرایط و امکانات خاصی می‌داند اما از سوی دیگر پنداشت وی این است که شرایط لازم برای تحقق این نیازها وجود ندارد. (گار، ۱۳۸۸: ۵۳ و ۵۴) علاوه بر این گار مانند دیویس ارزش‌ها را به سطح اقتصادی محدود نمی‌کند بلکه دو بعد ارزش‌های مربوط به قدرت و ارزش‌های بین شخصی را نیز لحاظ می‌کند. «ارزش‌های مربوط به قدرت ارزش‌هایی‌اند که میزان توان انسان‌ها در نفوذ بر کنش‌های دیگران و اجتناب از دخالت ناخواسته دیگران در کنش‌های خود را تعیین می‌کند.» (همان، ۵۵). سپس این گروه از ارزش‌ها شامل تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی و تمایل به حق تعیین سرنوشت و امنیت می‌شود. گار از مورد اول به عنوان ارزش‌های مشارکتی نام می‌برد مانند رأی دادن، شرکت در رقابت سیاسی، عضویت در گروه نخبگان سیاسی. مورد دوم را ارزش‌های امنیتی می‌نامد مانند آزادی از ترتیبات سیاسی ستمگران یا بی‌نظمی. مقصود گار از ارزش‌های بین شخصی رضایت‌های روانی است که افراد در تعامل و روابط غیراقتدارآمیز با یکدیگر و با گروه‌های مختلف، درصدد کسب آن‌ها هستند. (همان، ۵۶ و ۵۷) بر این اساس احساس محرومیت نسبی تنها رنگ‌وبوی اقتصادی ندارد بلکه صورت‌های دیگر احساس محرومیت نسبی نظیر محرومیت نسبی سیاسی و... نیز وجود دارند. (همان، ۶۰) به نظر می‌رسد در شبه جنبش‌های رخ داده در جامعه ایران این متغیر تبیین‌گر مناسبی است به طوری که می‌توان احساس محرومیت نسبی را در سطح وسیعی در سال ۸۸ در ایران شاهد بود. این نوع حس در سطح سیاسی می‌تواند به مشارکت سیاسی در سال

۸۸ نسبت داد بخشی از جامعه احساس می‌کرد رفتار رأی‌دهی او نادیده گرفته شده است بخشی از این افراد با تصور اثربخشی سیاسی در انتخابات حضور پیدا کرده بودند و نتیجه نهایی انتخابات باعث شد این بخش از جامعه دچار احساس بیگانگی سیاسی شود. در سال ۹۶ نیز این احساس محرومیت نسبی رفاهی را می‌توان بستر وقوع جنبش دی‌ماه دانست. چند تصمیم اقتصادی دولت و به‌دنبال افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی و معیشتی و نیز مشکلات ناشی از انجام ندادن تعهدات مؤسسات مالی و اعتباری، افزایش قیمت مسکن و اجاره‌بها سبب اعتراضات وسیعی در سطح جامعه شد. غالب این اعتراض در مراکز استان و شهرهای بزرگ و کوچک و سپس در تهران رخ داد با وجود آن که به‌نظر می‌رسد در تهران و شهرهای بزرگ میزان رفاه بیشتر است اما احساس محرومیت نسبی رفاهی به دلیل وجود فاصله طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در شهرهای بزرگ و پرجمعیت پتانسیل مقایسه اجتماعی را افزایش می‌دهد و حس ناکامی در پی آن خشونت را افزایش می‌دهد. شعارهای سیاسی به بهانه مطالبات معیشتی بر سر زبان‌ها جاری شد مبین حس محرومیت نسبی سیاسی بود که فروخورده شده بود. به عبارت دیگر دو صورت از احساس محرومیت نسبی رفاهی و سیاسی در جریانات دی ۹۶ با یکدیگر تلاقی پیدا کردند. (امینی، ۱۳۹۷: ۲۲۴ و ۲۲۵) نظریه محرومیت نسبی مبتنی بر نظریه ناکامی-پرخاشگری است. این نظریه‌ها جملگی بر این باورند که شرایط بیرونی؛ مانند ناکامی، فقدان وجهه و احساس اجحاف، عاملی نیرومند برای ایجاد رفتار آسیب‌زا محسوب می‌شود. براساس این نظریه، ناآرامی‌های دی {۱۳۹۶} محصول محرومیت طبقات پایین دستی جامعه و وجود تبعیض، ناآرامی، بیکاری و تورم و سرریز شدن فشارهای اقتصادی و اجتماعی مردم در شهرهای کوچک و متوسط بوده است. (ضیایی پرور، ۱۳۹۷: ۲۴۹)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

سن و نقش زنان

مطابق داده‌های موجود در دسترس از دستگیر شدگان ناآرامی‌های دی ۹۶، ۷۶ درصد از آنان زیر ۳۰ سال، ۶۰ درصد زیر ۲۵ سال و فقط ۳ درصد بالای ۵۰ سال سن بوده‌اند. در حال حاضر جوانان عمده جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که خواسته‌های گوناگونی را از معیشت تا کار و برخی از آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی را مطالبه می‌کنند. لذا در بستر اجتماعی ایران زمینه‌های

جدی برای جنبش‌های جوانان وجود دارد. (رضائیان قیه باشی، ۱۳۹۷: ۴۲) همچنین «زنان» به ویژه زنان جوان، سهم زیادی در اعتراضات دی ماه داشتند به ویژه با مطالبات فرهنگی و مطالبه آزادی پوشش، به این حرکت رنگ فرهنگی و سیاسی و حقوقی زدند. به لحاظ شاخص نارضایتی، در پیمایش دی ماه ۹۶ توسط ایسپا، ۷۴/۲ درصد زنان از وضع موجود کشور نارضایتی داشته‌اند و نارضایتی در میان زنان جوان به شدت بالا تر بوده است. (شاه علی، ۱۳۹۷: ۲۱۵ و ۲۱۶)

شغل، تحصیلات

مطابق اطلاعات موجود ۸۰ درصد از دستگیرشدگان دارای شغل آزاد، ۱۲ درصد دانشجوی، ۶/۵ درصد بیکار، ۵/۰ درصد از نیروهای نظامی، و از لحاظ تحصیلی ۲۸ درصد زیر دیپلم، ۴۴ درصد دیپلم، ۱۲ درصد فوق‌دیپلم، ۱۳ درصد دارندگان مدارک کارشناسی می‌باشند. (رضائیان قیه باشی، ۱۳۹۷: ۴۲ و ۴۳)

گسست نسلی و سبک زندگی غیردینی

تحقیقات اجتماعی متعدد طی ۱۵ سال گذشته (در ایران) نشان می‌دهند که نسل جوان به دنبال نیازهای جدید خویش هستند و زبانی متفاوت از نسل‌های پیشین یافته‌اند. جوانانی که در بیشتر مواقع، دو کفه آزادی و بیکاری، مهم‌ترین درخواست‌های آنان است. در نتیجه، در این فضا مخاطرات بین‌نسلی را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۵۸) البته، تفاوت نسلی کاملاً طبیعی است، اما آنچه وجه آنومیک یا پاتالوژیک روابط را نمایان می‌کند، گسست نسلی، بلکه شورش و خشونت نسلی است. (پورسعید، ۱۳۹۷: ۱۶۸) از سوی دیگر، متوسط رشد سالیانه جمعیت دهه هشتادی‌ها در استان‌های حاشیه‌ای و با سرانه درآمدی کم، بیشتر از استان‌های برخوردار است. بر این اساس، در ناآرامی‌های دی ۱۳۹۶، تعدادی از معترضان جوان حضور داشتند که از لحاظ فرهنگی با گفتمان جمهوری اسلامی فاصله دارند و از لحاظ اقتصادی نیز خود را در حال سقوط به مادون طبقه متوسط می‌بینند. بنابراین، قاعدتاً می‌بایست این فاصله را تحلیل و تبیین نسلی کرد. (پورسعید، ۱۳۹۷: ۱۶۸) از سوی دیگر در این اعتراضات، بسامد و فراوانی سنی متولدین دهه ۷۰ را مشاهده کردیم. یکی از گسل‌های جامعه‌شناختی، گسل‌های نسلی است. وقتی گفت‌وگو، همکاری و مشارکت بین نسلی وجود نداشته باشد، گسل به وجود می‌آید. ما یک نسل انقلاب‌کننده داریم که نسل پرحرارتی است. نسل دهه ۶۰ نسل ولرم، نسل دهه ۷۰ نسل سرد و نسل دهه ۸۰ هم نسل net (شبکه) است. بین این نسل‌ها، گسل‌هایی وجود دارد. ما به دنبال سبکی از زندگی اجتماعی

در قامت نسل خودمان هستیم. اما نسل دهه ۷۰ آن گرما و ولرمی نسل‌های قدیمی را ندارد. این نسل یک جور دیگر به دنیا نگاه می‌کند. با نسل جدید باید گفت و گو شود اگر چنین نباشد فاصله نسلی به شکاف نسلی؛ و شکاف نسلی به تعارض نسلی می‌انجامد. چه کسانی در اعتراضات غالب بودند؟ (مقصود فراستخواه در پاسخ به این سوال گفت): «اعتراضات دی ۹۶ نیز ائتلاف شکاف‌های نسلی، طبقاتی، مرکز-پیرامون و سبک زندگی بود. انواع و اقسام مطالبات و مناقشات وجود دارد. بعضی از شعارها، شکاف‌های نسلی را نشان می‌دهد. بعضی به سبک زندگی برمی‌گردد. بخشی در ارتباط با آزادی‌های مدنی و بخشی دیگر حقوق اجتماعی و رفاهی است. همه اینها را می‌شد به نحوی در شعارها دید. اما مسائل ایران را نباید به یک موقعیت تقلیل داد. در این موقعیت می‌شود گفت بعضی شکاف‌ها در مرکز قضیه بودند اما شکاف‌های دیگر هم در موقعیت‌های مشابه سر باز می‌کنند. (فراستخواه، سایت فرارو، ۲۳ دی ۱۳۹۶) هم چنین دکتر مقصود فراستخواه جامعه شناس به سوالات روزنامه «شرق» درباره اعتراضات دی ماه و تأثیرات آن بر جامعه و جوانان نیز پاسخ داد. بازیگران اصلی اعتراضات اخیر چه کسانی هستند؟ می‌شود اعتراضات را به جوانان منتسب کرد؟ «نکته شما درباره حضور جوانان در این اعتراضات درست است. ما درباره نسلی صحبت می‌کنیم که هیچ‌خاطره‌ای از انقلاب ایران ندارند و سبک دیگری از زندگی را دنبال می‌کنند و طبیعی است که معترض‌تر هستند. آنها نسل متفاوتی هستند که در مجموع حاکمیت قدرت را در دست دارد و ما بزرگ‌ترهای رسمی خودمان را سوژه اصلی کرده ایم، درحالی که جوان‌ها حالا می‌گویند ما می‌خواهیم سوژه و ابژه باشیم و دیدگاه‌هایی برای زندگی کردن داریم.» به نظر شما این تغییرات نسلی و خواسته‌های این قشر از جامعه چقدر مورد نظر مسئولان است؟ «در جامعه ما در حال حاضر تغییر نسلی به شدت چشمگیر است. درحالی که ساختارهای ما واقعاً در بسیاری از بخش‌ها متناسب با تغییرات اجتماعی جامعه ما نیستند. ساختارهای رسمی ما اصلاً توانایی شناسایی این تغییرات را ندارند و برخی تصمیماتی که برای این جامعه گرفته می‌شود، قابل قبول برای این جامعه جدید نیست. این نسل نمی‌تواند کار مناسب پیدا کنند، زبان رسمی زندگی خود را پیدا کنند، به سبک مورد نظرشان زندگی کنند، نمی‌توانند از زندگی احساس رضایت داشته باشند و همه اینها بسیار بسیار حائز اهمیت است.» (فراستخواه، روزنامه شرق، ۹۷/۵/۱۸)

علی‌داری معاون صدا و سیما، با اشاره به عامل شکاف نسلی در بروز اغتشاشات دی ماه

گفت: «نسلی که در این اغتشاشات فعال بود، عمدتاً در سنین ۱۶ تا ۲۹ بودند، این نسل با ارزش‌های دینی مواجهه چندانی نداشته‌اند. مسئله اصلی ذهنی در این نسل، کارآمدی است و اگر به تصور ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی برسد، زمینه‌های حرکت اجتماعی منفی در او شکل می‌گیرد.» (سایت صدا و سیما، ۲۳/۱۰/۱۳۹۶) دکتر مجید ابهری، آسیب‌شناس اجتماعی، متخصص علوم رفتاری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در این باره اظهار داشت: «ما در ماجرای آشفتگی‌های اجتماعی می‌توانیم به ضعف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی اشاره کنیم. متأسفانه در ۳۰ سال گذشته ما بیشتر کنترل داشته‌ایم تا پیشگیری. ضعف برنامه‌ریزی فرهنگی باعث شده است ما از فرزندانمان غفلت کنیم. باید بگوییم که مسئله گسست نسل‌ها یکی از تهدیدهای بزرگ و دغدغه اصلی ماست. الآن ما می‌بینیم که فرزندانمان علاقه‌ای به شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی والدینشان ندارند و در باورهای آنان شریک نمی‌شوند. ما برای حل این مشکلات باید بر اساس واقعیت‌های جامعه در خانواده و آموزش و پرورش برنامه‌ریزی کنیم. کتاب‌های درسی ما برای ۷۰ و ۸۰ سال پیش است و در شرایط کنونی برخی از محتواهای آن به درد نسل امروز نمی‌خورد.» (خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا)، ۱۷ بهمن ۱۳۹۶) در مصاحبه‌ای که با آقای غلامعلی دهقان؛ از فعالین سیاسی اجتماعی و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، انجام شد ایشان نگاهی تحلیلی و جامعه‌شناختی نسبت آن دوره داشته است. سوال اصلی این است که چه عواملی موجب شد که در دی ۱۳۹۶ شاهد اعتراضات گسترده و تا حدی خشونت‌آمیز بودیم؟ دهقان: «آنچه در دی ۹۶ گذشت نشان دهنده این بود که جامعه ما دچار یک شکاف نسلی شده است. بر اساس آمار وزارت کشور بیش از ۷۰ درصد بازداشتی‌ها متولد ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ بودند. می‌توان گفت: ۷۰ درصد شرکت‌کننده‌ها بین رنج سنی ۱۶ تا ۲۶ سال داشتند. این امر یعنی این که نسل دیگری وارد صحنه شده‌اند که به گفته آقای قرائتی خیلی وضع موجود را بر نمی‌تابد. بنابراین من این حرکت را سیاسی نمی‌بینم. لایه اول را شکاف نسلی می‌بینم. نسل قبل نتوانست مفاهیم متعالی انقلاب را با زبان این نسل به خود این نسل منتقل کند. البته تلاش‌هایی صورت گرفت و بخش‌هایی از نسل دهه ۶۰ و ۷۰ را توانست قانع کند اما فراگیر نبود. قطعاً کم و کاستی وجود داشته که این اتفاق رخ داده است.» عملکرد مسئولان انقلاب طی این چهار دهه در کجا اشتباه بوده که به این شکاف نسلی رسیده است؟ دهقان: «ما با زبان روزآمد نتوانستیم با نسل جدید تعامل کنیم. البته کارهای خوبی صورت گرفت و از مجموعه نسل اول و دوم اکثریت قانع شدند، اما کافی نبود. برای مثال

آموزش‌های سیاسی ما قوی نبود. شاید گفته شود که این کار وظیفه احزاب است و آنها باید در زمینه آموزش دانش سیاسی فعالیت کنند. کارکرد احزاب ما در ایران کاریکاتوری و به عبارتی موسمی است. «خب با این وجود چگونه می‌توان آرمان‌های انقلاب را منتقل کرد؟ دهقان: «اگر ما در قالب نظام آموزشی و احزاب روند آگاهی بخشی را پیگیری کنیم، یک دهه هفتادی به راحتی به کف خیابان نمی‌آید. چون در حزب شور و احساسات خود را نشان می‌دهد، حرف‌های خود را می‌زند و دیگر نیاز نیست به کف خیابان بیاید. وقتی به خیابان بیاید دیگر آن شعارهای زیبا تبدیل به اغتشاش می‌شود و دشمن‌ها استفاده خود را می‌برند. در آینده آموزش و پرورش و آموزش عالی ما باید بهتر عمل کنند. در این بین رسانه هم نقش مهمی ایفا می‌کند.» شما شکاف نسلی را در چند بعد نشان دادید. این که آموزش درستی وجود نداشت احزاب ساز و کار درستی نداشتند و ضعف تئوریک هم داریم. نظرتان در رابطه با بحران‌های اقتصادی کشور و شکاف نسلی و نتایجی که به بار می‌آورد چیست؟ دهقان: «بخشی از این اعتراضات ناشی از این است که نوجوانان و جوانان به تبعیض در جامعه ایران اعتراض می‌کنند که قسمتی از آن می‌تواند تبعیض اقتصادی باشد. آنچه که این قضیه دامن می‌زند بخشی از آن مربوط به پروپاگاندا مخالفان نظام است که ضعف‌ها را با تبلیغات مستمر چند برابر نشان می‌دهند. جوانی که بعد انقلاب متولد شده احساس می‌کند که آفازادگی یعنی همه چیز. البته متأسفانه باید قبول کنیم که مواردی هم هست. فضای مجازی هم به این مسئله دامن می‌زند. خب طبیعی است که نوجوان و جوان احساس می‌کند که به حق خودش نرسیده و دچار تبعیض شده است.» به تعبیر برخی از کارشناسان اقتصادی و سیاسی این فساد و رانت بحران ساز شده است. دهقان: «در فضای جدید ارتباطی شایعه و بزرگ‌نمایی وجود دارد و این احساس را بیش از گذشته به جوان و یا نوجوان وارد می‌کند که چرا ما عقب افتادیم. همین فضای ارتباطی باعث شده نسل جوان خود را با نسل جوان کشورهای دیگر مقایسه کند. خب باید این نسل جوان را توجیه کرد که اگر در کشورهای دیگر تغییرات به وقوع پیوسته حاصل تلاشی طولانی مدت است که به این مرحله رسیده‌اند. آموزش نقش بسیار مهمی در این شرایط ایفا می‌کند.» شما معتقد هستید در بسیاری از حوزه‌ها عملکرد ما بد بوده و آموزشی هم نداشته‌ایم. تا زمانی که عملکرد درست نشود، آموزش چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟ دهقان: «تا عملکردها درست نشود آموزش نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. اگر صداقت بزرگان اولیه ادامه داشته باشد نسل جدید همکاری می‌کند. پایه اغتشاشات همان شکاف نسلی است. اما وقتی که آن نسل به خیابان می‌-

آید، عده‌ای از خارج کشور تلاش می‌کنند این موج را مدیریت کنند. لذا به آن دامن می‌زنند. فضای ارتباطی هم این اعتراضات را بیشتر دامن می‌زند. شکاف نسلی، احساس تبعیض، احساس بی‌عدالتی، ضعف ما در آموزش‌های سیاسی احزاب، فضای رو به جلوی ارتباط همه باعث می‌شود حوادثی مانند دی ۹۶ رخ دهد. امیدوارم که بتوانیم با عبرت آموزی کاستی‌ها را جبران کنیم و همه این مشکلات را در خارج از مرزها نبینیم. بیشتر خود را آنالیز کنیم تا بتوانیم از ادامه این جریانات جلوگیری کنیم. بپذیریم که نسل‌های جدید به صحنه آمده‌اند که حرف‌های جدیدی می‌خواهند و خواسته‌های دیگری دارند. باید هم ضعف خودمان را بپذیریم و به آن‌ها حق بدهیم که حرف‌هایشان را منعکس کنند. «به عقیده بسیاری از کارشناسان، بحران‌های اجتماعی مانند فقر، حاشیه‌نشینی، اعتیاد از معضل‌های اصلی جامعه ایران است. نقش این بحران‌های اجتماعی را در دی ۹۶ چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دهقان: «حوادث دی ماه قطعاً تلمبار شدن خواسته‌هایی بود که سر باز کرد. بر اساس آمارها اصل قضیه نسل جدید و شکاف نسلی بود. ولی ۳۰ درصد دیگر افرادی که در این اغتشاشات حضور داشتند افرادی بالای ۳۰ سال بودند. این بحران‌ها را شاید در مطالبات این ۳۰ درصد دخیل دانست.» نمودی که اتفاقات دی ۹۶ داشت انگار خود را از تمام جریان‌های سیاسی دور می‌کرد و نمی‌خواست خود را ذیل هیچ کدام از جریانات سیاسی قرار دهد. اگر شعار «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» را نماد بخشی از این اعتراضات در نظر بگیریم، انگار می‌خواهد اعلام کند که من را وارد دسته بندی‌های خود نکنید و به عنوان شهروند یک مطالباتی دارم. دهقان: «این موضوع قابل تأمل است. افرادی این شعار را دادند که معمولاً همان دانشجویهای ۲۱ تا ۲۵ سال در دانشگاه تهران بودند. نمی‌توان این را به کل نوجوانان دهه هفتاد تعمیم داد. اما عموماً نوع شعارها سیاسی نبود. در آغاز بیشتر شعارها اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. بعد به شعارهای سیاسی تبدیل شد. جریانات فکری و سیاسی کشور ما اگر روزآمد باشند و بتوانند نبض جامعه را درک کنند همانند همین چهار دهه گذشته ما همچنان بدون تردید و قاطعانه نُرَم جهانی ۵۰ درصد مشارکت کننده در انتخابات را خواهیم داشت؛ بنابراین از این جهت نباید نگران باشیم که یک تعداد چند صد نفره این شعارها را سر دادند. نوعی موج سواری دیده می‌شد. در سال ۸۸ شعارهای بدتری داده می‌شد، اما با تمامی این احوال در انتخابات ۹۲ و ۹۴ و ۹۶ انتخابات باشکوهی داشتیم.» من مخالف نگاه شما هستم. یک جریان جدی‌تری در کشور وجود دارد که عمدتاً در نسل دهه ۷۰ و ۸۰ دسته بندی می‌شود که نسبت آن با جریانات سیاسی مرسوم کشور مانند دهه‌های

قبلی نیست. اینها مطالباتی دارند که در دسته‌بندی جریان‌های سیاسی مرسوم قرار نمی‌گیرد. بخشی از اینها شامل دهه هفتاد هم می‌شود. آیا می‌توان گفت که جریان‌های سیاسی با توده مردم دچار شکاف جدی شده‌اند یا نه؟ دهقان: «بر اساس مطالعات تاریخی که داشته‌ام نظام را نظامی ریشه‌دار و مردمی می‌دانم که توانسته بخش قابل توجهی از مردم را در عرصه‌های انتخاباتی با خود همراه نماید. حال ۳۰ یا ۴۰ درصد هم رأی خاکستری دارند و شعارهای مختلفی را مطرح می‌کنند.» شما معتقدید نظام و جریان‌های درون نظام هنوز این ظرفیت را دارند که نیازهای روز را پاسخ دهند. اما باید خود را روزآمد کنند. دهقان: «البته تا اینجا هم توانسته‌اند این کار را انجام دهند. بر اساس آخرین آمار که انتخابات ۹۶ بود، حدود ۴۴ میلیون شرکت‌کننده داشتیم؛ و به عبارتی ۷۴ یا ۷۳ درصد شرکت کردند. کسانی که رأی می‌آورند باید بتوانند تبعیض را کاهش دهند و نسل جدید را تعالی دهند.» به نظر شما مطالبات اصلی نسل امروزی دقیقاً در چه مسائلی شکل می‌گیرد؟ دهقان: «نمی‌توان صرفاً یک عامل را در اولویت دانست عوامل مختلفی تأثیر دارند. اما در بین عوامل مختلف عامل فرهنگی پررنگ‌تر است و باید بیش از عوامل دیگر به آن بپردازیم که چرا بعضی از نسل جدید خود را هم سنخ با این انقلاب نمی‌دانند؟!» (سایت دیدارنیوز، ۱ دی ۱۳۹۷)

نقش نسل جدید دهه هفتادی‌ها و دهه هشتادی‌ها

کشور ما از جمله کشورهای جوان به حساب می‌آید، رشد جمعیت جوانان در هر جامعه‌ای با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی - از آن جمله وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - می‌تواند عاملی برای افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز تلقی گردد. در همین زمینه ضمن استناد به آمارهای موجود در خصوص شاخص عمده "حضور در آشوب‌های شهری"، نشان می‌دهد که سهم عمده این اعمال، متعلق به جوانان بوده است.

هرم سنی جمعیت ایران بین سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که متولدین دهه ۶۰ که بین ۲۶ تا ۳۶ سال دارند، بیش‌تر تراکم جمعیت در هرم سنی جمعیت ایران را نشان می‌دهند. (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۹۵) در ویدئوهای منتشر شده از اعتراضات دی ماه، بسیاری از معترضان همین جوانان دهه شصت هستند که خواستار شغل، مسکن، ازدواج و به طور کلی منزلت اجتماعی اند. (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۹۷) شواهد و گزارش وزارت کشور نشان داد بخش عمده معترضان و اکثر دستگیر شدگان جوانان زیر ۲۵ سال (یعنی متولدین بالای سال ۱۳۷۰) بوده‌اند. البته به لحاظ اجتماعی و مطالبات، بین این نسل با نسل دهه ۶۰ برخی شباهت‌ها و برخی تفاوت‌ها دیده می‌شود. نسل

دهه ۷۰ و ۸۰ با وجود مطالبات اجتماعی و اقتصادی، هژمونی فرهنگی حاکم را بیشتر به چالش می‌کشند. بنابراین، معترضان جوان یک دست نبوده و نیستند و برخی خواهان آزادی‌های فرهنگی و سبک زندگی و عده زیادی که متولدین دهه ۶۰ و ۷۰ هستند، خواستار شغل و حقوق شهروندی اقتصادی و اجتماعی اند. مطالبات جوانان دهه ۷۰ و ۸۰، بیشتر از منظر فرهنگی و سبک زندگی و اوقات فراغت است. (شاه علی، ۱۳۹۷: ۲۱۵) ابوالفضل دلاوری استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تعریف خود را از این رویدادها این گونه ارائه داد: «اما حرکت ملغمه ای بود از نیروهای نو پدید اجتماعی-نسل‌های جوانی که اصلاً تجربه سیاسی نداشتند، اما یکی دو بار خودشان را نشان داده بودند. اگر خاطر تان باشد ۳ سال پیش جوانان موسوم به دهه ۸۰ یک گردهمایی در پارک‌ها برگزار کردند. بدون هیچ انگیزه سیاسی، فقط هدفشان دور هم جمع شدن بود. کسی در آن زمان به این موضوع توجه نکرد؛ پس یک گروه این‌ها بودند.» محمد امین قانعی راد از اساتید جامعه‌شناسی با اشاره به اجتماع نوجوانان در سال ۹۴ در مجتمع کورش گفت: «من در آن زمان نهمین سن شکوفایی و مشارکت اجتماعی در ایران به ۱۳ سال رسیده‌ام. این نوجوانان خواسته‌هایی دارند. اما در مقابل خواسته‌های این‌ها چه کار کردند؟ این‌ها را به زیر زمین‌های خانه‌هایشان هدایت کردند. بالاخره اما این زیرزمینی‌ها سر بر می‌آورند. امروز نسل جوان ما با از دست دادن منابعی مانند امنیت، دچار یک نوع ناامنی شده‌اند که بخشی از این ناامنی مربوط به مسائل اقتصادی و بخشی هم مربوط به مسائل اجتماعی است و احتمال دارد برخی از آن‌ها را به سمت حرکت‌های شبه داعشی بکشاند. کما این که در برخی از شهرها قبلاً این پدیده داعشی‌گری خودش را نشان داد.» (سایت جماران، ۵ بهمن ۱۳۹۶)

موضوعی که توجه‌ها را بیشتر از همه جلب کرده، بیشتر از آن‌که سیاسی یا اقتصادی باشد، اجتماعی است. نسلی معترض که سربرآورده است. توجه جامعه‌شناسان به میانگین سنی آنان و خواسته‌های شرکت‌کنندگان است. مسئولان می‌گویند؛ بیشتر آنها که به خیابان‌ها آمده‌اند، جوان بوده‌اند و نوجوان؛ همان‌ها که با یک اصطلاح نامیده می‌شوند: «دهه هفتادی‌ها و دهه هشتادی‌ها». سال ۹۳ بود که بیشتر از همه نام دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها بر سر زبان‌ها افتاد؛ وقتی «مرتضی پاشایی» خواننده محبوب آن روزها درگذشت و برای خاکسپاری‌اش تعداد زیادی از هوادارانش که میانگین سنی‌شان حدود ۱۸ تا ۲۵ سال بود به بیرون آمدند و خیابان‌های تهران را قفل کردند. بعد از آن ماجرا، سخنرانی‌ها و نشست‌های مختلفی درباره این حضور و رفتار طرفداران

پاشایی ایراد و برگزار شد و یک‌سال بعدش با گردهمایی دهه هشتادی‌ها در خیابان‌ها و پارک‌ها، دوباره نحوه رفتار آنها زیر ذره‌بین رفت. حالا و در سال ۹۶، یک‌بار دیگر حرف از دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌هاست؛ نمونه‌اش معصومه ابتکار معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهوری تحلیلش را درباره بازداشت‌شدگان حوادث دی ماه که به گفته او اغلب جوانان اعلام کرده‌اند؛ او گفت: «مطالبات جوانان نسل دهه ۷۰ و ۸۰ نیازمند شنیده شدن است ما به گفت‌وگوی عمیق بین نسلی نیازمندیم زیرا برای شنیدن صدای نسل دهه ۷۰ و ۸۰ فرصت و فضای کافی نه در خانواده و نه در جامعه فراهم نکرده‌ایم. البته اقدامات خوبی در آموزش و پرورش یا دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی شده ولی کافی نیست. حتماً باید صدای مطالبات آنها درک شود.» ابتکار با بیان این‌که باید در رسانه‌های عمومی، فضای عمومی جامعه، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و خانواده برای جوانان و نوجوانان جایگاه قابل شویم، گفت که این نسل به فضای مجازی گرایش زیادی پیدا کرده است: «این در حالی است که فضای مجازی همان قدر که فرصت‌های فوق‌العاده‌ای دارد، مقداری تهدید هم دارد که توانمندسازی جوانان برای استفاده صحیح از فضای مجازی بهترین راه برای مقابله با تهدیدات است.» به گفته وی «صدای جوانان و نوجوانان ابتدا در داخل خانواده شنیده شده و به رسمیت شناخته شود. جوانان و نوجوانان را نباید فقط به‌عنوان یک عنصر فرمانبر در نظر گرفت بلکه باید حق پرسشگری و چالش‌گری آنها را به رسمیت شمرد.» از طرف دیگر، «روزبه کردونی»، مدیرکل سابق آسیب‌های اجتماعی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، آنچه را در دی ۹۶ رخ داده است، دارای ابعاد مختلف دانست: «نکته مهم آن است که نباید نگاه تقلیل‌گرایانه و ساده‌اندیشانه به ناآرامی‌های اخیر وجود داشته باشد و سطح آن به نزاع‌ها و تسویه حساب‌های سیاسی، موج‌سواری احزاب و اشخاص تقلیل یابد. از سوی دیگر، نباید و نمی‌توان واکنش‌های سیاستی را بر مبنای تحلیل‌های ذهنی افرادی بنا گذاشت که هیچ شناخت دقیقی از چرایی و چگونگی بروز ناآرامی‌های اخیر ندارند. نکته دیگر این‌که احتمالاً یک دغدغه جدی مسئولان، واکنش سیاستی مناسب در قبال حضور جوانان زیر ۲۵ سال (دهه هفتادی‌ها) در اعتراضات اخیر است. پیشنهاد مشخص این است قبل از آن‌که با آنها گفت‌وگو شود و پروفایل اجتماعی-اقتصادی و دلایل و انگیزه‌های حضور آنها در خیابان از دیدگاه خود آنها مشخص شود، هیچ سیاست یا اقدامی تدوین نشود. به عبارت بهتر، گفت‌وگو با این جوانان مهم‌ترین اقدام سیاستی است که در نخستین گام باید به صورت ساختارمند انجام شود. جمع‌بندی این‌که هرگونه واکنش سیاستی به اتفاقات دی ۹۶ باید با شناخت

و فهم دقیق از ناآرامی‌های اخیر آن هم متکی به اطلاعات و یافته‌های جمع‌آوری شده از خود افراد شرکت‌کننده به‌ویژه جوانان شرکت‌کننده در خیابان باشد. سخن مشترک اکثر مسئولان و فعالان سیاسی در روزهای اخیر ضرورت شنیدن صدای مردم بوده است. برای شنیدن صدای مردم به‌ویژه جوانان باید یک ساختار تعیین شود. ساختاری شنونده که بتواند گفت‌وگو با دهه هفتادی‌ها را پیش ببرد و سیاست‌های مشخص متکی یافته‌های به دست آمده تدوین کند. «احمد بخارایی، عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران اعتقاد دیگری در این‌باره دارد: «شهود ما از این تجمعات می‌گوید، مشارکت‌کنندگان شامل سنین مختلف می‌شوند. ممکن است کسانی که سنشان زیر ۲۵ سال است نسبت به دفعات قبل بیشتر باشد، اما این که حدود ۹۰ درصد آنها زیر ۲۵ سال باشند، نظر درستی نیست. ۲۵ سال، سن کمی نیست و ۱۰ سال از بلوغ آنها گذشته است. مشکلات بیکاری در این سنین بیشترین حد را دارد و اینها نشانگر واقعیت‌های اجتماعی نیاز به اشتغال است. جوان بودن این جمعیت اهمیت موضوع را کاهش نمی‌دهد، اتفاقاً اهمیت آن را دوچندان می‌کند.» (خبر آنلاین (خبرگزاری تحلیلی ایران)، ۱۶ دی ۹۶)

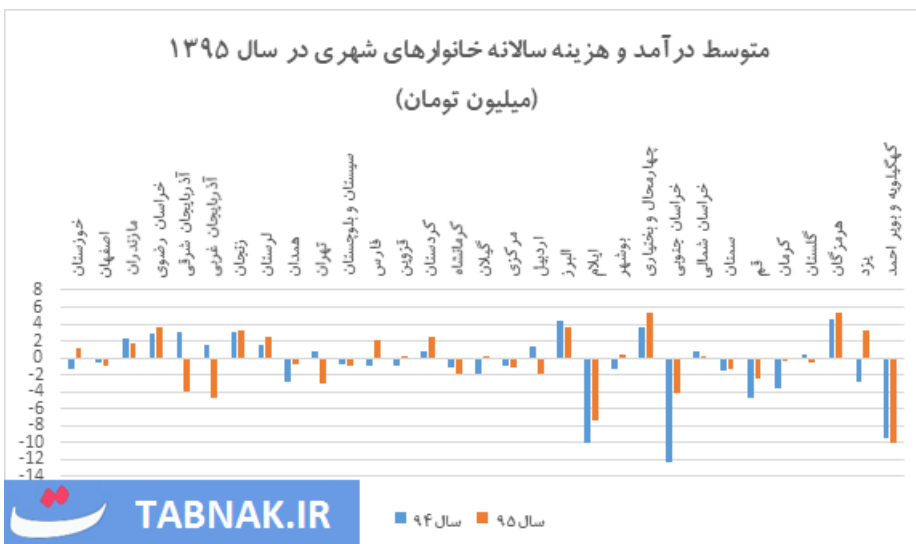
این اعتراضات واقعی و از دل نارضایتی‌ها و مطالبات گوناگون برآمده است، به‌ویژه آن که گسترش وسیع آن در کشور و شعارهای مختلفی که سر داده می‌شد، نشان از چند قشری و چند طبقه‌ای بودن اعتراضات داشت، اما اقشار فرودست اقتصادی و جوانان سهم اصلی را دارند. اعتراضات دی ۹۶، شورشی چند طبقه‌ای و چند قشری و چند شهری و جوانان با خواسته‌های متنوع و با محوریت طبقه متوسط ضعیف و فرودستان شهری و حتی روستاییان و کشاورزان بود. (شاه علی، ۱۳۹۷: ۲۰۷ و ۲۰۸) اکثریت معترضین در حوادث دی ماه را جوانان تشکیل می‌دادند. بنا بر اعلام معاون امنیتی انتظامی وزارت کشور ۸۴ درصد معترضان زیر ۳۵ سال و فاقد سابقه امنیتی بودند. جوانان دهه هفتادی که مطالباتشان جایی شنیده نشده بود و خودشان هم دیده نشده بودند دولت یازدهم را می‌توان به گواه آمار کم توجه‌ترین دولت به امور جوانان دانست. این دولت کمترین آمار تشکیل جلسات شورای عالی جوانان را دارد و تنها دولتی است که در آن حتی یک جلسه شورای عالی به ریاست شورای عالی جوانان یعنی رئیس جمهور تشکیل نشده است. از ابتدای این دولت همواره معاونین امور جوانان این وزارتخانه به دنبال احیای سازمان ملی جوانان بوده‌اند و حوزه جوانان تعطیل تا سازمان ملی جوانان احیا شود و بودجه حوزه جوانان نیز احتمالاً در ورزش هزینه شده است و اگر چنین نیست شایسته است اکنون در ماه‌های پایانی سال

۹۶ وزارت ورزش گزارشی از هزینه کرد بودجه ۴۰۰ میلیارد تومانی حوزه جوانان منتشر سازد تا مشخص گردد به کدام مشکل از مشکلات جوانان در سال ۹۶ توسط این وزارتخانه رسیدگی شده است البته شاید رسیدگی به استقلال و پرسپولیس بخشی از رسیدگی به مشکلات جوانان باشد. مجموعه این عوامل و بی توجهی به جوانان سبب نارضایتی از دولت شده است. (سایت تابناک، ۲۳ بهمن ۱۳۹۶)

نقش بیکاری جوانان

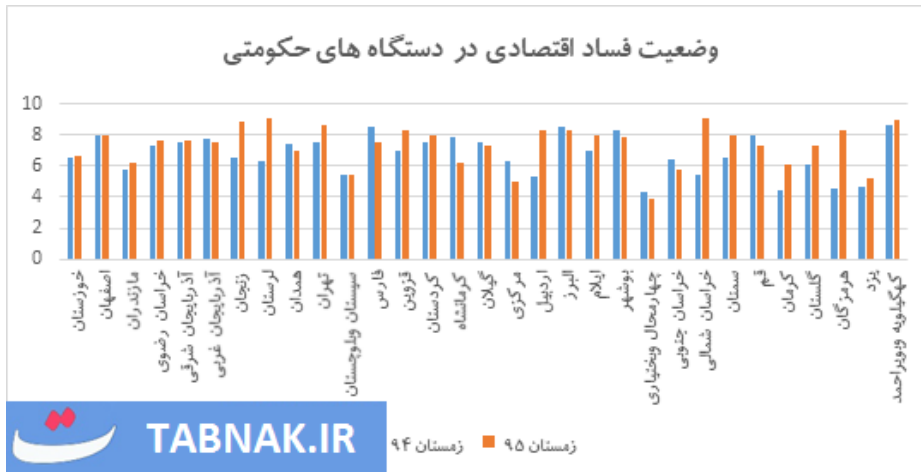
آصف بیات، جامعه‌شناس ایرانی در دانشگاه ایلینوی، طی یادداشتی در نشریه آتلانتیک به علت یابی ناآرامی‌های دی ۹۶ پرداخت و نوشت: «ناآرامی دی ۹۶، نه از نارضایتی فقرای سنتی ناشی شد و نه طبقات متوسط مدرن، بلکه طبق آمار وزارت کشور، بیش از ۹۰ درصد بازداشت‌شدگان زیر ۲۵ سال سن داشتند و احتمالاً تحصیل کرده بودند. ریشه‌های این گروه به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد. زمانی که میزان باروری بالای ایران، یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های جوان جهان را بوجود آورد. به طور همزمان، باسوادی گسترش یافت. در پایان دهه نود میلادی، جمعیت دانشجویی ۲۶۶ درصد به میزان ۲۰ میلیون دانشجویی یا یک سوم جمعیت -افزایش یافت. در ژوئن ۲۰۱۴، تعداد دانشجویان ایران ۴،۵ میلیون بود. گسترش دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه آموزش از راه دور تقریباً در هر روستایی فارغ التحصیلان دانشگاهی بوجود آورد. طبق گزارش مجلس، ۳۵ درصد جوانان تحصیل کرده بیکار هستند.» (سایت فرارو، ۹ بهمن ۱۳۹۶) از سوی دیگر بیکاری جوانان تحصیل کرده حکایت از وضعیت نامناسب آن دارد به طوری که هر ساله بر آمار بیکاران جوان تحصیل کرده افزوده می‌شود و می‌رود تا به یک بحران اجتماعی تبدیل شود. در حال حاضر، بیکاری گریبان گیر بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور است که طبق جدیدترین آمار یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از این جمعیت را فارغ التحصیلان یا دانشجویان تشکیل می‌دهد. بسیاری از جوانان امروزه در حداقل مسائل معیشتی خود از جمله اشتغال و ازدواج با چالش مواجه اند و نمی‌توانند مطالبات خود را محقق کنند. بنابراین این حداقل بخشی از جوانان، از وضعیت کنونی رضایت پائین ندارند، نگاه یأس آلود و نومیدانه ای به آینده خود و جامعه دارند و نگاه نوستالوژیک به گذشته خود دارند، وضعیتی که به نظر می‌رسد در مورد همه معترضان دی ۱۳۹۶ مصداق دارد. (پروین، ۱۳۹۷: ۲۵۸ و ۲۵۹) مسائل اقتصادی چقدر در این اعتراضات دخیل بود. به همین منظور سه عامل اقتصادی که در شعارهای مردم نقش داشت را در نظر می‌گیریم: گرانی، فساد و

بیکاری. این سه عامل را در استان‌هایی که شهرهای آن‌ها در اعتراضات حضور داشتند بررسی خواهیم کرد. برای بررسی این سه عامل هم از داده‌های مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و گزارش‌های کسب و کار مرکز پژوهش‌های مجلس کمک خواهیم گرفت. آنچه مردم به آن اعتراض داشتند و در شعارهای خود بیان می‌کردند موضوع گرانی بود. به همین منظور برای این که بینیم قدرت خرید مردم در استان‌های مختلف چگونه بوده است باید به سراغ بودجه خانوارها برویم و وضعیت این بودجه را طی دو سال ۹۴ و ۹۵ مورد بررسی قرار دهیم. داده‌های مورد نیازمان را نیز از گزارش‌های بودجه خانوارهای بانک مرکزی استخراج می‌کنیم. در سال ۹۴ و ۹۵ وضعیت کسری یا مازاد بودجه سالانه خانوارهای شهری (مازاد بودجه یعنی این که متوسط درآمدهای سالانه خانوار از متوسط هزینه سالانه آن‌ها بیشتر بوده است و کسری بودجه برعکس این تعریف است) ۳۱ استان کشور به صورت زیر بوده است:



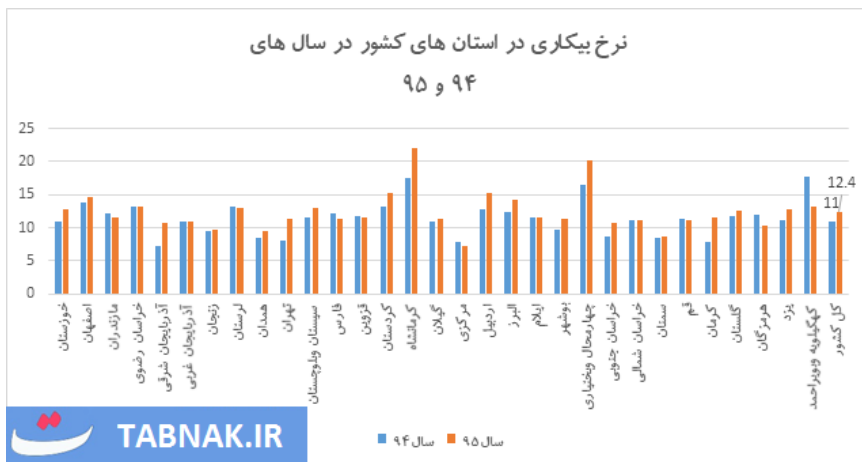
عامل دوم اقتصادی در اعتراضات مردمی موضوع فساد بوده است. برای بررسی وضعیت فساد به آخرین گزارش پایش محیط کسب و کار مرکز پژوهش‌های مجلس که مربوط به زمستان سال ۹۵ و ۹۴ است، مراجعه می‌کنیم. در این گزارش مولفه‌ای تحت عنوان "وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی" وجود دارد. فعالان اقتصادی این استان‌ها برای نشان دادن وضعیت این مولفه در استان خود، عددی را از یک (بهترین ارزیابی) تا ده (بدترین ارزیابی) به این مولفه اختصاص می‌دهند. نمودار زیر نشان دهنده وضعیت این مولفه در استان‌های مختلف طی زمستان سال ۹۴ و ۹۵

زمستان سال ۹۵ می باشد.



سایت با اقتصاد، ۱۸ دی ۱۳۹۶) به نظر می رسد بخشی از اعتراض جوانان، نقد نظام موجود در مواجهه و مبارزه با فساد بوده است که رسانه هایی مانند تلگرام در تشدید و بر ساخت آن اثرگذار بوده است. (پروین، ۱۳۹۷: ۲۶۱) فسادهای اعلام شده و رسیدگی نکردن قضایی مناسب و مورد انتظار مردم، اعتماد اجتماعی به ویژه نسل های جوان به نظام سیاسی و اداری کشور را به شدت کاهش داده است. در واقع اعتقاد نسل جوان به نظام کاهش یافته است. (جباری، ۱۳۹۷: ۱۸۹)

سومین عامل اقتصادی در اعتراضات مردمی، موضوع بیکاری بوده است. بیکاری طی سال های ۹۴ و ۹۵ در استان های کشور به صورت زیر بوده است:



طبق آمار، در تمامی استان ها به جز دو استان فارس و قم، حداقل یک عامل اقتصادی طی دو

سال اخیر بدتر شده است. عامل بیکاری بیشترین نقش را در اعتراضات داشته است. در ۲۴ استان از ۳۱ استان کشور در دو سال اخیر وضعیت بیکاری بدتر شده است. سپس عامل فساد در ۲۲ استان از ۳۱ استان در دو سال اخیر بدتر شده است. در انتها نیز عامل گرانی نقش داشته است. (سایت با اقتصاد، ۱۸ دی ۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری

مطابق داده‌های موجود در دسترس از دستگیر شدگان ناآرامی‌های دی ۹۶، ۷۶ درصد از آنان زیر ۳۰ سال، ۶۰ درصد زیر ۲۵ سال و فقط ۳ درصد بالای ۵۰ سال سن بوده‌اند. در حال حاضر جوانان عمده جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که خواسته‌های گوناگونی را از معیشت تا کار و برخی از آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی را مطالبه می‌کنند. لذا در بستر اجتماعی ایران زمینه‌های جدی برای جنبش‌های جوانان وجود دارد.

بر این اساس، در ناآرامی‌های دی ۱۳۹۶، تعدادی از معترضان جوان حضور داشتند که از لحاظ فرهنگی با گفتمان جمهوری اسلامی فاصله دارند و از لحاظ اقتصادی نیز خود را در حال سقوط به مادون طبقه متوسط می‌بینند. بنابراین، قاعدتاً می‌بایست این فاصله را تحلیل و تبیین نسلی کرد. جوانانی که به دنبال نیازهای جدید خویش هستند و زبانی متفاوت از نسل‌های پیشین یافته‌اند. در نتیجه، در این فضا مخاطرات بیننسلی را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. مسئله گسست نسل‌ها یکی از تهدیدهای بزرگ و دغدغه اصلی است. آنچه در دی ۹۶ گذشت نشان دهنده این بود که جامعه ما دچار یک شکاف نسلی و نیز ائتلاف شکاف‌های نسلی، طبقاتی، مرکز-پیرامون و سبک زندگی شده است.

هرم سنی در ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که متولدین دهه ۶۰، بیش از هر ساختار سنی در طول تاریخ ایران است. متولدین دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ که بسیاری از آنها تحصیل کرده و البته بیکار هستند و اکنون خواهان شغل، مسکن و منزلت اجتماعی‌اند. در اعتراضات دی ماه، بسیاری از معترضان همین جوانان دهه شصت هستند. جوانان دهه ۷۰ را نیز باید به این مسئله افزود که به لحاظ فرهنگی و سبک زندگی نیز با فرهنگ رسمی فاصله دارند. می‌توان گفت که جوانان دهه ۱۳۶۰، به دنبال کار و مسائل معیشتی هستند و جوانان دهه ۷۰ و نوجوانان دهه ۸۰، به دنبال سرگرمی، جوانان دهه ۶۰، به دلیل نداشتن برنامه ریزی مناسب برای شغل، ازدواج، مسکن و...؛ جوانان سرخورده‌ای هستند که با انواع ناملایمات مواجه‌اند. از سوی دیگر هر روزه اخبار انواع فسادها را در نظام موجود رصد می‌

کنند که این خود زمینه ساز اعتراضات آنان هست. نسل دهه ۷۰ و ۸۰ با وجود مطالبات اجتماعی و اقتصادی، هژمونی فرهنگی حاکم را بیشتر به چالش می کشند. بنابراین، معترضان جوان یک دست نبوده و نیستند و برخی خواهان آزادی های فرهنگی و سبک زندگی و عده زیادی که متولدین دهه ۶۰ و ۷۰ هستند، خواستار شغل و حقوق شهروندی اقتصادی و اجتماعی اند. مطالبات جوانان دهه ۷۰ و ۸۰، بیشتر از منظر فرهنگی و سبک زندگی و اوقات فراغت است. مطالبات جوانان نسل دهه ۷۰ و ۸۰ نیازمند شنیده شدن است. ما به گفت و گوی عمیق بین نسلی نیازمندیم. سخن مشترک اکثر مسئولان و فعالان سیاسی در دی ۹۶ ضرورت شنیدن صدای مردم بوده است. برای شنیدن صدای مردم به ویژه جوانان باید یک ساختار تعیین شود. ساختاری شنونده که بتواند گفت و گو با دهه هفتادی ها را پیش ببرد.

از سوی دیگر بیکاری جوانان تحصیل کرده حکایت از وضعیت نامناسب آن دارد به طوری که هر ساله بر آمار بیکاران جوان تحصیل کرده افزوده می شود و می رود تا به یک بحران اجتماعی تبدیل شود. بسیاری از جوانان امروزه در حداقل مسائل معیشتی خود از جمله اشتغال، ازدواج با چالش مواجه اند و نمی توانند مطالبات خود را محقق کنند. وضعیتی که به نظر می رسد در مورد همه معترضان دی ۱۳۹۶ مصداق دارد. عامل بیکاری بیشترین نقش را در اعتراضات داشته است. در ۲۴ استان از ۳۱ استان کشور در سال های ۹۴ و ۹۵ وضعیت بیکاری بدتر شده است. سپس عامل فساد در ۲۲ استان از ۳۱ استان در دو سال اخیر بدتر شده است. در انتها نیز عامل گرانی نقش داشته است.

آنچه که مطرح شد بررسی ناآرامی های دی ۱۳۹۶ در ایران بر مبنای رویکرد فشار اجتماعی در حوزه آسیب های اجتماعی بود. واقعیت امر آن است که ساختار جامعه ایران به گونه ای است که میان داشته های افراد و انتظارات آن ها، فاصله و شکاف وجود دارد و افراد برای تحقق آرمان های خود به دنبال راهی هستند که این راه ها می توان ساختار سیاسی کشور را نشانه بگیرد. این مسئله در مورد نوجوانان و جوانان نمود بیشتری دارد. به نظر دو گروه را بایستی در معترضین جوان از هم دیگر متمایز کرد. گروه اول کسانی هستند که با مبانی انقلاب اسلامی و ساختار آن مشکل عقیدتی و فکری دارند بنابراین به دنبال هر فرصتی برای ضربه زدن به آن هستند، این قشر بیشتر در بین جوانان تحصیل کرده بخصوص در حوزه علوم انسانی انتقادی بیشتر حضور دارند؛ دغدغه این افراد بیشتر از آنکه معیشتی باشد بیشتر از جنس فکری و ایدئولوژیکی هست. اعتراضات اقتصادی، فضایی برای موج سواری آنان

بود. اما گروه دوم که اکثریت معترضین را شامل می‌شود، جوانان سرخورده‌ای هستند که همه روز با انواع تغییرات و ناملايمات مواجه‌اند و برای بهبود وضعیت خود، ابزارهای مشروع جامعه را مسدود می‌پندارند. به‌زعم نویسنده، علت ساختاری اعتراضات، فشار اجتماعی است با آن‌که عواملی مانند دخالت عناصر بیگانگان و همچنین فضای مجازی از عوامل تسهیل و تشدیدکننده اعتراض و البته خشونت‌ها می‌باشد و به‌خودی‌خود نمی‌تواند علت غایی آن باشند. بی‌ثباتی بنیان اقتصادی جامعه و چالش‌های معیشتی افراد به‌ویژه جوانان زمینه‌ساز اعتراضات آتی خواهد بود. حال با توجه به مطالب ذکر شده پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

پیشنهادها:

۱) قشر عظیمی از جامعه ایران را جوانان تشکیل می‌دهند که به‌دنبال بهبود کیفیت زندگی خود در همه ابعاد آن هستند. وضعیت جامعه ما نشان می‌دهد امروزه جوانان با انواع مسائل از جمله معیشت خود مواجه‌اند و از حمایت‌های اجتماعی لازم برخوردار نیستند. بسیاری از جوانان تلاش دارند تا از طریق تحصیلات، وضعیت خود را بهبود بخشند ولی تحصیلات هم به‌مانند گذشته اثرگذاری خود را از دست داده‌است. بنابراین لازم است تا در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها توجه جدی به مسائل حداقلی زندگی جوانان از جمله اشتغال و ازدواج بشود و گرنه وضعیت جوانان سرخورده و محروم به گونه‌ای است که هیچ امیدواری به آینده ندارد و در جایگاهی هستند که چیزی برای از دست دادن ندارند. ۲) پیشنهاد می‌شود گفتمان رسمی جامعه و رأس آن رسانه ملی، رویکرد واقع‌بینانه‌تری نسبت به جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی اتخاذ کند که خود می‌تواند ضمن طرح واقع‌بینانه مسائل اجتماعی افراد و به‌ویژه جوانان، در حل آن‌ها مؤثر واقع شود.

منابع

- اسدی، قدرت‌اله (۱۳۹۷). مطالبات نسل جوان؛ اعتراض جوانان به چیست؟، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امینی، سعیده (۱۳۹۷). تأملی جامعه‌شناختی پیرامون شبه جنبش‌های دو دهه اخیر، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- با بررسی شعارهای معترضین، اصلی‌ترین عامل اعتراضات اخیر چه بود؟، سایت با اقتصاد، ۱۸ دی ۱۳۹۶ به آدرس اینترنتی: <https://www.baeghtesad.com>
- باتامور، تام (۱۳۶۹). مستفدان جامعه، ترجمه محمد جواهرکلام، تهران: انتشارات سفیر.
- پروین، ستار (۱۳۹۷). زمینه‌های ساختاری ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ در ایران، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۷). ناآرامی‌های خیابانی دی ماه ۱۳۹۶؛ رخداد یا فرآیند؟، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جباری، رامین (۱۳۹۷). فرسایش سرمایه اجتماعی: یکی از زمینه‌های اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۷). اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خبر آنلاین (خبرگزاری تحلیلی ایران)، ۱۶ دی ۱۳۹۶، دلیل شورش جوانان و نوجوانانی که در اعتراضات اخیر در خیابان‌ها شرکت کردند، چیست؟) به آدرس اینترنتی: <https://www.khabaronline.ir/news/743574>
- خبرگزاری دانشجویان، بررسی عوامل و پشت‌پرده‌های اغتشاشات اخیر، ۱۰ بهمن ۱۳۹۶ به آدرس اینترنتی: <https://snn.ir/fa/news/663281>
- خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا)، ۱۷ بهمن ۱۳۹۶: شکاف‌های اجتماعی میان مردم و رفاه‌زده‌ها ریشه ناآرامی‌های اخیر بود به آدرس اینترنتی <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/11/17/164939f>:
- درباره اعتراضات اجتماعی دی ماه ۹۶ گفتگوی سایت فرارو با مقصود فراستخواه ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۶ به آدرس اینترنتی: <https://farasatkah.blogsky.com>

رضائیان قیه باشی، احد (۱۳۹۷). کاریست روش آینده‌پژوهانه‌ی **CLA** برای تبیین علل نآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، در کتاب اعتراضات و نآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سایت تابناک ۲۳ بهمن ۱۳۹۶، «نقش دولت در شکل‌گیری اعتراضات منجر به آشوب دی ماه» به آدرس اینترنتی: <http://tabnaktehran.ir/fa/news/564833>

سایت صدا و سیما، دکتر دارابی: نیازمند نگاه جامعه‌شناسانه و همه‌جانبه به ناآرامی‌های اخیر هستیم، ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

سایت فرارو، ۹ بهمن ۱۳۹۶ آصف بیات تحلیل می‌کند (تحلیل متفاوت یک جامعه‌شناس از ناآرامی‌های اخیر ایران) به آدرس اینترنتی: <https://fararu.com/fa/news/346405>

شاه علی، سارا (۱۳۹۷). چه کسانی در خیابان بودند؟، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ضیایی پرور، حمید (۱۳۹۷). نقش فضای مجازی در ناآرامی‌های دی ماه ۹۶ ایران، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۷). اعتراضات و مسئله کینه‌توزی در ایران معاصر، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: قدرت هویت، حسن چاوشیان، تهران طرح نو.

گار، تد رابرت (۱۳۸۸). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گفتگوی "دیدارنیوز" با غلامعلی دهقان؛ شکاف نسلی اصلی‌ترین دلیل اتفاقات دی ماه ۹۶، سایت دیدارنیوز، ۱ دی ۱۳۹۷ به آدرس اینترنتی: <https://www.didarnews.ir/fa/news/17001>

مرادی، داود (۱۳۹۷). نقش تغییرات ساختار جمعیتی در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶، در کتاب اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ تحلیل‌ها و برآوردها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مقصود فراستخواه پیامدهای اجتماعی اعتراضات اخیر در ایران را بررسی می‌کند: نشانه‌های اجتماعی را جدی نمی‌گیرند، روزنامه شرق، ۹۷/۵/۱۸، صفحه ۱۳ به آدرس

اینترنتی: <https://www.magiran.com/article/3785381>

نش، کیت(۱۳۸۲). جامعه‌شناسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نشست علمی بررسی ابعاد ناآرامی‌های دی ماه، سایت جماران، ۵ بهمن ۱۳۹۶ به آدرس اینترنتی:

<https://www.jamaran.news>

Touraine, Alain(1985). An Introduction to the study of social Movments Social Research.